

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۹، ۱۱۸-۹۷

## حق استناد به کاهش ثمن برای متعهدله در نتیجه وضع تحریم‌های تجاری در کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا

عصمت گلشانی \*

سید مهدی حسینی مدرس \*\*

پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۶

دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲

تحریم / کاهش ثمن / کنوانسیون سازمان ملل راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا /  
تحویل غیرمنطبق

### چکیده

تحریمی که پس از انعقاد یک قرارداد وضع می‌شود آثار متعددی بر روند اجرای تعهدات ناشی از آن می‌گذارد. در این وضعیت اگر متعهد یک قرارداد بازرگانی بین‌المللی به دلیل وضع یک تحریم، از اجرای تعهدات قراردادی اش خودداری کند، متعهدله در مقابل، حق استناد به بعضی از طرق جبرانی نقض قرارداد را دارد. پرسش اصلی که این پژوهش به پاسخ آن می‌پردازد این است که در دعاوی و قراردادهایی که تحت شمول کنوانسیون سازمان ملل راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا قرار می‌گیرند، حتی اگر متعهد به دلیل تحریم، توسط مرجع صلاحیت‌دار (دادگاه، داور یا دیوان داوری صالح) از پرداخت خسارات برای نقض قراردادی معاف شود، آیا متعهدله می‌تواند به حق اعلام کاهش ثمن به عنوان یک طریق جبرانی استناد کند؟ به‌طور کلی پاسخ این

Esmat.Golshani@isu.ac.ir

mehdi.modares@gmail.com

\*. استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

\*\* دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی تهران

■ عصمت گلشانی، نویسنده مسئول

پرسش مثبت است لیکن برای تبیین شرایط، ویژگی‌ها و آثار اعمال این طریق جبرانی در این مقاله سه فرض از هم تفکیک شده است: (۱) تحریم بر کل اجرا اثر بگذارد، (۲) تحریم بر جزئی از اجرا اثر بگذارد و اجرا غیرقابل تفکیک باشد، (۳) تحریم بر جزئی از اجرا اثر بگذارد و اجرا قابل تفکیک باشد.

**طبقه‌بندی: K12, F53, F51: JEL**

## مقدمه

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا<sup>۱</sup>، درکنار سایر طرق جبرانی، حق اعلام کاهش در قیمت (تقلیل ثمن)<sup>۲</sup> به‌عنوان ابزار موجود برای متعهدله در بعضی صور نقض قرارداد، در نظر گرفته شده است.<sup>۳</sup>

حتی اگر با بایع از مسئولیت پرداخت خسارات برای تحویل دادن کالاهای غیرمنطبق معاف شده باشد، اصولاً خریدار می‌تواند ثمن را نسبت به چنین کالاهایی کاهش دهد.<sup>۴</sup> بند ۵ ماده

۱. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) مصوب ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد در خصوص خرید و فروش بین‌المللی کالا. این کنوانسیون به‌عنوان یک مقرره متحدالشکل در سطح بین‌المللی تا ماه مارس ۲۰۱۹ توسط ۸۹ کشور مورد قبول قرار گرفت ([http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral\\_texts/sale\\_goods](http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/sale_goods)). با توجه به شرایط کشورمان مسئله تحریم‌ها - بخصوص در سال‌های اخیر- به موضوعی جدی بدل گشته است و براین اساس، مقاله حاضر از بررسی «کاهش ثمن» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پی نیل به دو هدف است: نخست آنکه تجربه جهانی در مورد این موضوع که چکیده آن در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی (مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) قوام یافته، می‌تواند راهنمای بسیار روشنی را برای بازنگری و تغییر در نظام حقوق فعلی و ارتقای آن پیش روی قانونگذار داخلی نهاد؛ این مهم زمانی می‌تواند تأثیر مثبتی بر حقوق داخلی بگذارد که ابتدا در منشأ خود درست تحلیل و درک شود. دوم، هرچند ایران به این کنوانسیون نپیوسته است لیکن حسب بند ب ماده ۱/۱ کنوانسیون، قواعد آن می‌تواند بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی اشخاصی که محل تجارت آنان در ایران است نیز اعمال گردد.

## 2. Price Reduction

۳. شاید بتوان نهاد حقوقی ارش در حقوق ایران را به طریق جبرانی کاهش ثمن در این کنوانسیون مانند کرد و گفت، در حقوق ایران نیز در صورت تحویل موضوع معامله معیوب، طرف مقابل حق دریافت ارش که در واقع تفاوت قیمت کالای معیوب تحویل داده شده و کالای سالم مقرر در قرارداد است، را دارد. دکتر کاتوزیان نیز در کتاب قواعد عمومی قراردادها، ارش را با عنوان «کاستن از ثمن» توصیف کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳، ش ۱۰۰۹) و آن را جبران زیانی می‌دانند که مثلاً، «خریدار ناآگاه از تملک ارزش ناقص می‌برد، درحالی‌که بهای ارزش کامل را پرداخته است.» (همان، ج ۵، ص ۲۳۴) از نظر ایشان، «هر کالا فایده و مصرفی دارد که به منظور استفاده از آن مورد معامله قرار می‌گیرد. نقصی که آن فایده مطلوب را از بین ببرد یا از آن پندار بکاهد که، اگر خریدار آگاه می‌شد، از معامله صرف نظر می‌کرد یا بهایی کمتر می‌پرداخت، عیب است.» (همان، ج ۵، ص ۲۳۷، ش ۱۰۱۳) پس «عیب نقصی است که ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد.» (همان، ج ۵، ص ۲۳۹، ش ۱۰۱۵).

پس با این تعریف از عیب، اگر به‌عنوان مثال، در اثر تحریم، متعهد نتواند موضوع قرارداد را مطابق با اوصاف قراردادی تحویل دهد (مثلاً در فروش چند دستگاه که نرم‌افزار آن‌ها تحت شمول تحریم قرار گرفته است)، در صورت تحویل موضوع قرارداد، طرف مقابل از باب خیار عیب، حق فسخ قرارداد یا گرفتن ارش را دارد.

برای مطالعات بیشتر ببینید: اسکینی، جعفریان، ۱۳۸۹

برخی نیز «تقلیل ثمن» را در حقوق داخلی با بحث «داراشدن ناعادلانه» توجیه کرده‌اند؛ به این توضیح که «بایع در فرض عدم تقلیل [ثمن] عوضی را دریافت می‌کند که در برابر آن معوضی نداده است و این عادلانه نیست.» (سلطانیان، ۱۳۹۳،

ص ۴۸)

۴. ببینید:

Secretariat Commentary on Article 65 of the 1978 Draft (draft counterpart of Article 79 CISG) n.8; Flippe Christian v. Douet Sport Collections, Tribunal de Commerce, Besançon, France, 19 January 1998,

۷۹ کنوانسیون مقرر می‌کند: «هیچ‌یک از مندرجات این ماده مانع طرفین از اعمال هر نوع حق غیر از مطالبه خسارت موضوع این کنوانسیون نخواهد بود». طبق ماده ۵۰ کنوانسیون، «در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد، اعم از اینکه ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد، مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم دارا می‌بوده است، ثمن را کاهش دهد، با این وجود هرگاه با بایع مطابق مواد ۳۷ یا ۳۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور از قبول انجام تعهد با بایع خودداری ورزد، مشتری نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد».

امکان کاهش ثمن در فرض تحویل کالای غیرمنطبق در اثر تحریم، در سه حالت قابل بررسی است: (۱) تحریم بر کل اجرا اثر بگذارد، (۲) تحریم بر جزئی از اجرا اثر بگذارد و اجرا غیرقابل تفکیک باشد، (۳) تحریم بر جزئی از اجرا اثر بگذارد و اجرا قابل تفکیک باشد.<sup>۱</sup>

---

CISG-online 557; Flechtner, 1994-1995, p. 171; Brunner, 2009, p. 377; Piché, 2002-2003, p. 559; Piliounis, 2000, p. 34; Enderlein /Maskow, 1992, p. 333, n. 13.4 ad Article 79 CISG; Honnold, 2009, p. 446, n. 311 ad Article 50 CISG, p. 638, n. 435.2 and pp. 642-643, n. 435.6 ad Article 79 CISG; Liu, 2004, n. 8.2; Liu, 2005, n. 3.2; Eiselen, 2010, p. 93-292; Sondahl, 2003, p. 259; Atamer, 2011, p. 1070, n. 41 ad Article 79; Bach, 2011, p. 750, n. 3 and p. 751, n. 18 ad Article 50; Flechtner, 2007, p. 42; Lookofsky, 2005, p. 144, n. 6.19; Lookofsky, 1995, p. 87, n. 6.19; Müller-Chen, 2005, p. 772, n. 2 and p. 779, n. 18 ad Article 50; Shin, 2005-2006, p. 349; ...

برای مطالعه بیشتر به زبان فارسی در خصوص تقلیل ثمن به طور کلی، از جمله ببینید: ربیعی، ۱۳۸۹؛ سلطانیان، پیشین، صص ۴۷-۶۶؛ اسلامی پناه، فرجام، اسکندری، ۱۳۹۵، صص ۴۹-۷۴؛ بیگ زاده، باریکلو، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۵۷؛ رنجبر صحرائی، ۱۳۸۸، صص ۳۹۵-۴۴۶.

۱. تحریم‌های بین‌المللی انواع متعددی دارند اما در مقاله حاضر تحریم از منظر حقوق خصوصی و حقوق تعهدات مد نظر است لذا از میان تحریم‌های مختلف، تحریم‌های اقتصادی (یعنی فشار آوردن بر هدف تحریم از جنبه‌های مختلف ارکان یک نظام اقتصادی) و از میان تحریم‌های اقتصادی، تمرکز بر روی «تحریم‌های تجاری» است یعنی تحریم‌هایی که موضوع قرارداد (کالا، خدمت، یا مالکیت‌های فکری) را تحت الشعاع قرار می‌دهند. در میان تحریم‌های تجاری نیز به طور خاص، تنها به تحریم‌هایی که اجرای قراردادهای کالامحور را مختل می‌سازند و تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هستند، پرداخته می‌شود.

متعهده‌ای که بر اثر تحریم تعهدات قراردادی اش را انجام نمی‌دهد، در صورت وجود شرایط ویژه‌ای از پرداخت خسارات برای نقض قرارداد معاف می‌گردد؛ اما پرداخت خسارت تنها یکی از طرق جبرانی مطرح است و سؤال اینجاست که آیا متعهد ناقض از سایر طرق جبرانی مثل «کاهش ثمن» نیز معاف می‌گردد یا خیر؟ جهت مطالعات تفصیلی در خصوص تحریم و طرق جبرانی موجود برای متعهده مواجه با تحریم، ر. ک. گلشنی، ۱۳۹۶.

## ۱. تحریم بر کل اجرا (همه کالاها) اثر بگذارد

به عنوان مثال کشوری تحریمی علیه کشوری دیگری وضع و تجارت با آن کشور را تابع نظام کسب مجوز کند و به موجب یک قرارداد بیع کالاهایی به کشور واضع تحریم ارسال شود و (۱) کالاها در طول زمان کسب مجوز به علت ماهیت فاسدشدنی آن خراب شوند (۲) یا آنکه در فرآیند بازرسی کالاها توسط کشور واضع تحریم - که به منظور حصول اطمینان از اینکه کالاهای ارسال شده در قلمرو یکی از معافیت‌های کلی یا ویژه تحریم قرار می‌گیرند انجام می‌شود- این کالاها خراب شوند. در هر دو مثال، کل کالاهای ارسال و تحویل داده شده (کالاهای فاسد شده)، کالاهایی با کیفیت پایین‌تر از کیفیت توافق شده هستند (کل کالاها غیرمنطبق هستند).

در این مثال‌ها، حتی اگر بایع طبق ماده ۷۹ کنوانسیون و به دلیل تحریم، از مسئولیت برای پرداخت خسارات معاف باشد، بازهم خریدار می‌تواند طبق ماده ۵۰ کنوانسیون کاهش در ثمن را اعلام کند، به شرطی که فاسدشدن کالاها قبل از انتقال ریسک به خریدار رخ داده باشد. در واقع مسئولیت بایع، مبتنی بر فرض وجود عیب در کالاها در زمان انتقال ریسک به خریدار است. البته خریدار به جای کاهش ثمن می‌تواند بایع را بر اساس بند ۳ ماده ۴۶ کنوانسیون الزام به جبران عدم انطباق، از راه تعمیر کالاها کند، مگر اینکه این کار با توجه به جمیع اوضاع و احوال، غیرمعقول باشد. یا، اگر عدم انطباق کالاها، نقض اساسی قرارداد است (ماده ۲۵ کنوانسیون<sup>۲</sup>)، خریدار می‌تواند بایع را با رعایت شروط مندرج در بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون، ملزم به تحویل کالای جایگزین کند به شرطی که تحریم مانع تحویل دادن چنین کالای جایگزینی، هم نشود، که در صورت اخیر، خریدار می‌تواند قرارداد را بر اساس ماده ۴۹ کنوانسیون فسخ شده اعلام کند.<sup>۳</sup>

۱. طبق بند ۱ ماده ۳۶ کنوانسیون، «بایع طبق قرارداد و این کنوانسیون مسئول هر نوع عدم انطباقی است که در هنگام انتقال ضمان به مشتری وجود دارد هر چند که عدم انطباق پس از آن زمان آشکار شود».

۲. ماده ۲۵ کنوانسیون: «نقض قرارداد توسط یکی از اصحاب دعوی هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خساراتی به طرف دیگر شود بنحوی که به‌طور عمده‌ای او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است محروم نماید، مگر اینکه طرف نقض‌کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او در شرایط و اوضاع و احوال مشابه چنین پی‌آمد و نتیجه‌ای را نمی‌توانسته است پیش‌بینی کند.»

۳. اگر علی‌رغم مطابق نبودن کالاهای تحویل داده شده با آنچه در قرارداد آمده، هنوز برخی استفاده‌ها برای کالا وجود داشته باشد، در مورد اینکه آیا نقض اساسی موجب اعلام فسخ قرارداد، رخ داده است یا نه، ملاحظه کنید:

Huber, 2012, pp. 732-734, nn. 37-43 ad Article 49.

## ۲. تحریم بر بخشی از یک اجرای غیرقابل تفکیک (بخشی از کالای غیرقابل تفکیک) تأثیر بگذارد

این فرض درجایی رُخ می‌دهد که بایع به موجب یک تحریم تجاری از تحویل دادن برخی کالاها موضوع قرارداد، منع شود و این کالاها، اجزا یا واحدهایی از یک کل غیرقابل تفکیک باشند. کالاهایی که از قطعات مختلف ترکیب شده‌اند یا از اجزاء مختلفی ساخته شده‌اند، در صورتی «غیرقابل تفکیک» هستند که این قطعات یا اجزاء، به صورت ماهوی یا به موجب توافق طرفین، یک واحد «تجاری از خود آن کالا را تشکیل دهند.»<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، به صورت کلی چنین می‌توان گفت که قابل تفکیک بودن یا غیرقابل تفکیک بودن اجرای تعهدات هر یک از طرفین، می‌تواند یا در نتیجه ماهیت آن اجرا باشد و یا در نتیجه توافق طرفین. غیرقابل تفکیک بودن ماهوی کالا خود دو صورت می‌تواند داشته باشد: ۱. کالاها به لحاظ مادی غیرقابل تفکیک باشند. ۲. به لحاظ عملکردی غیرقابل تفکیک باشند یعنی بعضی از اجزا و قطعات در یک کالا به لحاظ مادی و فیزیکی تقسیم پذیر باشند و بایع بتواند کالاها را بدون این قطعات تحویل دهد، لیکن عملکرد کل مبیع بدون این قطعات تحت تأثیر قرار بگیرد. به عنوان مثال، سخت افزار یا نرم افزار در قلمرو تحریم ممنوع کننده صادرات تکنولوژی قرار بگیرد، و بدون آن سخت افزار یا نرم افزار، وسیله‌ای که قرار است تحویل داده شود، نمی‌تواند وظیفه‌اش را انجام دهد. یا آنکه موضوع قرارداد تحویل خودرو باشد و پس از قرارداد صادر کردن موتور خودرو ممنوع شود.

در حالتی که تحریم بر بخشی از کالای غیرقابل تفکیک تأثیر می‌گذارد، بایع می‌تواند طبق ماده ۷۹ کنوانسیون از مسئولیت برای پرداخت خسارات معاف شود چه جزئی از کالای غیرقابل تفکیک را نتواند تحویل دهد و چه کل آن را نتواند تحویل دهد؛<sup>۲</sup> زیرا مانع تحریم بر تحویل تمام کالاها موضوع قرارداد اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، چون این مانع بر کل تسلیم تأثیر می‌گذارد و نمی‌توان متعهد را مجبور به تسلیم کردن جزئی از کالای غیرقابل تفکیک

1. Brunner, 2009, p. 261.

۲. البته معافیت فقط در صورتی به متعهد قابل اعطاست که نتوان منطقاً از بایع انتظار داشت که بر تحریم، مثلاً با تحویل دادن کالای جایگزینی که از نظر تجاری متعارف است، فائق آید.

Secretariat Commentary on Article 65 of the 1978 Draft (draft counterpart of Article 79 CISG) n.7

که مشمول تحریم نیست کرد<sup>۱</sup>، اگر متعهد از اجرای تعهدش خودداری کند، از مسئولیت به پرداخت خسارات معاف خواهد بود.

جزء یا بخشی که بایع از یک کالای غیرقابل تفکیک مادی یا عملکردی تحویل می‌دهد، بر اساس ماده ۳۵ کنوانسیون تحویل غیرمنطبق خواهد بود.<sup>۲</sup> به عنوان مثال، وسیله‌ای که نمی‌تواند وظیفه‌اش را بدون نرم‌افزارش انجام دهد، طبق این مقرر، آشکارا، وسیله‌ای ناقص و غیرمنطبق است.

در فرض مطرح‌شده در این شماره، اگر کالاهایی تحویل شوند، به صورت کلی غیرمنطبق تلقی می‌شوند و خریدار نمی‌تواند برای تحویل ناقص از جانب بایع ادعای خسارت کند (ماده ۷۹ کنوانسیون) ولی می‌تواند قرارداد را کلاً فسخ‌شده اعلام کند (ماده ۴۹ کنوانسیون)، مشروط بر اینکه عدم انطباق به حد نقض اساسی قرارداد برسد. یا اگر نقض، اساسی نیست، خریدار می‌تواند کالاها را ننگه دارد و کاهش ثمن به دلیل عدم انطباق را بر اساس بند ۱ ماده ۵۱ و ماده ۵۰ کنوانسیون، اعلام کند.

### ۳. تحریم بر بخشی از اجرا (کالاها) تأثیر بگذارد و اجرای متعهد قابل تفکیک باشد

در این حالت تحریم بر یک یا چند کالا از مجموعه کالاهای مقرر در قرارداد یا یک یا چند قطعه از یک کالا تأثیر می‌گذارد (شرط ۱) و اجرای متعهد قابل تفکیک است (شرط ۲)، یعنی موضوع قرارداد یک مجموعه کالای قابل تفکیک است. کالاهایی «قابل تفکیک» یا «قابل تقسیم» اند که از اجزایی ترکیب شده باشند که «از نظر تجاری مستقل و از یکدیگر مجزا هستند، و اجزاء

۱. به عنوان نمونه، در مثال‌های قبل نمی‌توان متعهد را مجبور به تسلیم کردن اتومبیل بدون موتور یا تحویل کالا بدون سخت‌افزار یا نرم‌افزار ضروری آن کرد.

۲. طبق بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، «بايع بايد كالايي را تسليم نمايد كه داراي مقدار و كيفيت (جنس) و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است بسته‌بندی یا ظرف‌بندی گردیده باشد». بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون بعلاوه شرط می‌کند که «جز در مواردی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود مگر اینکه: الف) متناسب با مقاصد باشد که عرفاً کالاهایی با همان اوصاف برای مقاصد مزبور، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ ب) متناسب با هر نوع مقصود خاصی باشد که به نحو صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بايع رسیده است مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بايع اعتماد نکرده یا اعتماد او به مهارت و تشخیص بايع غیرمعقول بوده است؛ ج) واجد اوصاف کالایی باشد که بايع به عنوان مسطوره یا نمونه به مشتری ارائه نموده است؛ د) به ترتیب متعارف جهت این قبیل کالاها، یا در صورتی که ترتیب متعارفی موجود نباشد، به نحوی که بقا و سلامت کالا تأمین شود در ظرف گنجانده یا بسته‌بندی شده باشد».

سازنده یا تشکیل دهنده یک واحد تجاری بزرگ تر نیستند»<sup>۱</sup>. این کالاها باید به طور فیزیکی از یکدیگر تفکیک پذیر باشند و هرکدام یک واحد تجاری از خودش - که می توانسته به صورت جداگانه فروخته و تحویل داده شود- را تشکیل دهند<sup>۲</sup> کالاهایی قابل تقسیم اند که بدون وجود یک بخش از آن کالا، اولاً ماهیت بقیه کالا بدون تغییر باقی بماند یعنی بدون وجود آن بخش هم بتوان همان نام قبلی را بر آن کالا گذاشت و ثانیاً کارکردشان مختل نشود.<sup>۳</sup> پس اگر تعهد قراردادی، تحویل کالایی تفکیک پذیر به عنوان مبیع باشد و تحویل یک جز یا بخش آن به موجب تحریمی ممنوع شده باشد، می توان منطقاً از بایع انتظار داشت که کالا را بدون یک چنین جزئی تحویل دهد؛ از خریدار هم منطقاً می توان انتظار داشت که کالا را بدون چنین جزئی تحویل بگیرد.<sup>۴</sup> مثلاً اگر متعهد تعهد کرده باشد که یک رایانه (سخت افزار) و یک مجموعه از برنامه های رایانه (نرم افزار) را تحویل دهد، و تحریمی، صرفاً تحویل نرم افزارهای تولید شده در کشور واضح تحریم را ممنوع کند - نه تحویل سخت افزارهایی را که درجایی دیگر تولید شده اند- متعهدله می تواند تحویل رایانه (سخت افزار) را مطالبه کند.

در جایی که تحریم بر بخشی از اجرا (کالاها) تأثیر بگذارد و اجرای متعهد قابل تفکیک باشد، بایع باید کالاهایی (قطعاتی) که متأثر از تحریم نیستند را تحویل دهد وگرنه امکان اعطای معافیت به او وجود ندارد. اما اگر بایع کالاها را بدون اجزاء متأثر از تحریم تحویل دهد (عدم تحویل جزئی)، یا اینکه قسمت متأثر از تحریم را هم تحویل دهد ولی آن قسمت معیوب باشد (تحویل غیرمنطبق به صورت جزئی)، کالاهای تحویل داده شده به صورت جزئی غیرمنطبق هستند.<sup>۵</sup> مثلاً اگر طرفین توافق کرده باشند بر اینکه بایع یک مجموعه متشکل از ۱۰

1. Honnold, 1989, p. 454, n. 316 ad Article 51 CISG.

2. Brunner, 2009. pp. 260-261.

۳. از نظر مولر-چن، حتی اگر اجزائی که کالا از آن تشکیل شده، از نظر فیزیکی و اقتصادی مستقل باشند، اما بازم «چنانچه بخش های مُجزا، از نظر عملکرد متعلق به یکدیگر باشند و لذا - طبق معیارهای عام پذیرفته شده- یک کل را تشکیل دهند، [مشخصه] تفکیک پذیری نمی تواند وجود داشته باشد.»

(Müller-Chen, 2005, p. 782, n. 2 ad Article 51).

۴. آثار حقوقی این فرض در قسمت سوم مقاله تبیین شده است.

۵. یک عدم تحویل جزئی بر اساس بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، یک نوع تحویل غیرمنطبق است. ببینید: Oberlandesgericht, Koblenz, Germany, 31 January 1997, CISG-online 256; Schwenzler, 2012, p. 572, n. 8 ad Article 35 (p. 414, n. 8 in 2005 edition).

درواقع ماده ۳۵ مقرر می کند که «بایع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار و کیفیت (جنس) و وصف مقرر در قرارداد باشد». بنابراین، عدم انطباقی که پیش نیاز ماده ۵۰ کنوانسیون است، در مورد تحویل ناقص، محقق می شود.



وسیله را به خریدار تحویل دهد که ۲ تا از آن ۱۰ وسیله فقط با تکنولوژی مشمول تحریم کار می‌کنند، تحویل دادن ۱۰ کالا بدون تکنولوژی مذکور، تحویلی است که به صورت جزئی ناقص است.

اگر عدم تحویل جزئی از سوی بایع، به حد نقض اساسی قرارداد نسبت به کالاهای غایب برسد یا اگر به هنگام رفع تحریم، بایع کالاهای غایب (یا قطعات غایب) را در دوره زمانی اعطاشده از سوی خریدار، تحویل ندهد، خریدار می‌تواند قرارداد را به صورت جزئی فسخ شده اعلام کند<sup>۱</sup> و این فسخ جزئی، متضمن کسر متناسب قیمت هم است؛ البته باید به تمایز ظریف میان کسر ثمن و کاهش ثمن توجه شود زیرا طرق جبرانی فسخ و کاهش ثمن باهم قابل جمع نیستند یعنی اگر قرارداد نسبت به بخشی از کالا فسخ شود، به اندازه همان قسمت لازم نیست ثمن پرداخته شود و فقط به اندازه قسمت فسخ نشده ثمن پرداخته می‌شود و این به معنای تقلیل ثمن نیست بلکه نوعی کسراز ثمن است.

در فرض موضوع این قسمت، خریدار می‌تواند بجای فسخ جزئی، کاهش ثمن را هم اعلام کند که کاهش ثمن در این کالاها به صورت جداگانه محاسبه می‌شود (بند ۱ ماده ۵۱ و ماده ۵۰ کنوانسیون). باید توجه داشت که نمی‌توان طریق جبرانی فسخ قرارداد را با طریق جبرانی کاهش قیمت جمع کرد زیرا اعلامیه کاهش قیمت مبتنی بر این فرض است که قرارداد هنوز وجود دارد.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که اگر متعهدله بجای اعلام فسخ جزئی قرارداد، کاهشی در ثمن را بر اساس ماده ۵۰ کنوانسیون اعلام کند، نتیجه یکی باشد. به عبارت دیگر اگر بایع به دلیل تحریم برخی از کالاهای (یا برخی قطعات کالاهای) موضوع قرارداد را تحویل ندهد، (۱) کاهش ثمن بر اساس بند ۱ ماده ۵۱ و ماده ۵۰ کنوانسیون و (۲) فسخ جزئی قرارداد بر اساس بند ۱ ماده ۵۱ و بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون، منجر به این نتیجه یکسان می‌شوند که لازم نیست خریدار برای کالاهایی که تحویل داده نشده‌اند، ثمن بپردازد.

با این وجود، پیش‌نیازهای این دو طریق جبرانی یکسان نیستند و گاه خریدار حق

این عدم انطباق (۱) می‌تواند به عنوان یک نقص کمی (مقداری) توصیف شود، مثلاً اگر بایع فقط یکی از کامیون‌های موضوع قرارداد را تحویل دهد، (۲) یا به کیفیت کالاها (نقص در وصف و کیفیت کالا نه در کمیت و مقدار کالا) مربوط باشد، مثلاً اگر بایع یک کامیون را بدون یکککش تحویل دهد.

۱. بند ۱ ماده ۵۱ و مواد ۴۹ و ۴۷ کنوانسیون.

2. Bach, 2011, p. 766, n. 65 ad Article 50; Brunner, 2009, pp. 346-347; Müller-Chen, 2005, p. 779, n. 17 ad Article 50.

اعلام کاهش ثمن را دارد حتی اگر شرایط اعلام فسخ جزئی محقق نشده باشند: خریدار فقط در صورتی حق دارد که قرارداد را نسبت به کالاها یا قطعات غایب فسخ شده اعلام کند که ۱. تأخیر در تحویل از جانب بایع به حد نقض اساسی نسبت به این کالاها برسد، یا ۲. بایع کالاهای غایب را در دوره زمانی اضافی اعطاشده توسط خریدار پس از رفع تحریم‌ها، تحویل ندهد.<sup>۱</sup> بنابراین، اگر تحویل به موقع کالاهای غایب برای خریدار «بسیار مهم» نباشد، خریدار حق اعلام فوری فسخ قرارداد را نسبت به کالاهای غایب ندارد؛ اما اگر تحویل جزئی انجام شده، یک تحویل غیرمنطبق تلقی شود، خریدار می‌تواند به صورت فوری کاهش ثمن را اعلام کند.<sup>۲</sup> پس حتی اگر خریدار حق اعلام فسخ جزئی قرارداد را نداشته باشد، حق اعلام کاهش در ثمن در مورد عدم تحویل جزئی را دارد.<sup>۳</sup> بنابراین تا زمانی که تأخیر در تحویل دادن کالاهای غایب از جانب بایع، به حد نقض اساسی قرارداد نسبت به این کالاها نرسد، اعلام کاهش ثمن به دست خریدار، نمی‌تواند به عنوان اعلام فسخ جزئی تفسیر شود حتی اگر آن اعلام کاهش ثمن متضمن اعاده جزئی ثمن باشد.

در انتها، به جا است که چند نکته در مورد طریق جبرانی کاهش ثمن در کنوانسیون مطرح شود: **نکته ۱:** در موارد امکان اعلام کاهش ثمن، حق بایع به «جبران کردن هرگونه قصور در اجرای تعهداتش مطابق ماده ۳۷<sup>۴</sup> یا ماده ۴۸<sup>۵</sup>» محفوظ می‌ماند (جبران عدم انطباق).<sup>۶</sup> این مواد به بایع اجازه جبران کردن نقص (در کمیت یا کیفیت) را از طریق اجرای متعاقب می‌دهند.

۱. بند ۱ ماده ۵۱ و بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون.

۲. بند ۱ ماده ۵۱ و ماده ۵۰ کنوانسیون.

۳. مثلاً دیوان عالی اتریش در رأی در سال ۲۰۰۵ حکم کرد که: علیرغم اینکه خریدار حق اعلام فسخ قرارداد بر اساس ماده ۴۹ کنوانسیون را از دست داده بوده و ظرف مدت معقولی عمل نکرده، ولی ثمن دستگاه‌های قهوه ساز که به طور کامل معیوب بوده‌اند، می‌توانسته به صفر کاهش یابد.

(Oberster Gerichtshof, Austria, 23 May 2005, CISG-online 1041)

۴. ماده ۳۷: «هرگاه بایع کالا را پیش از موعد مقرر تسلیم نموده باشد، تا فرارسیدن موعد مزبور می‌تواند قسمت‌های کسری را تحویل دهد یا هرگونه نقصانی در مقدار را جبران کند یا کالای دیگری را در عوض کالای غیرمنطبق تسلیم نماید یا هر نوع عدم انطباقی در کالای تسلیم شده را مرتفع سازد، مشروط بر اینکه اعمال این حق موجب زحمت غیرمعقول مشتری یا تحمیل هزینه‌های غیرمعقول بر او نباشد. مع‌هذا هر نوع حق مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده است برای مشتری محفوظ است.»

۵. بند ۱ ماده ۴۸: «با رعایت ماده ۴۹ بایع می‌تواند حتی پس از موعد تسلیم، هر نوع قصور در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران نماید به شرط آنکه بتواند این کار را بدون تأخیر غیرمعقول و بدون اینکه موجب زحمت غیرمعقول مشتری شود انجام دهد و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت هزینه‌هایی که مشتری به صورت پیش‌پرداخت انجام داده است نشود. مع‌هذا هر نوع حق مطالبه خسارت برای مشتری، به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده است محفوظ خواهد بود.»

۶. قسمت دوم ماده ۵۰ کنوانسیون.

لذا اعلام کاهش ثمن از جانب خریدار، مشمول «شرط فاسخ یک ایجاب متعاقب به جبران کردن» است یعنی کاهش ثمن به شکل معتبری انجام می‌گیرد اما اگر بایع بعداً کالاهای غایب را تحویل دهد (یعنی قصورش در اجرای تعهداتش را جبران کند)، کاهش ثمن از ابتدا بی‌اثر می‌شود؛<sup>۱</sup> در این مورد بایع باید حق داشته باشد که بر قسمتی از ثمن که کاهش یافته بود، بهره مطالبه کند.<sup>۲</sup>

**نکته ۲:** خریدار نمی‌تواند در صورت عدم تحویل کلی از جانب بایع، کاهش ثمن را اعلام کند،<sup>۳</sup> اما این طور نیست که چون خریدار فقط حق اعلام کاهش ثمن در مورد عدم تحویل جزئی را دارد، این امر انگیزه‌ای برای بایع شود که درجایی که فقط بعضی از کالاها تحت تأثیر تحریم هستند، از تحویل دادن کل کالاها امتناع کند تا بتواند جلوی کاهش ثمن را بگیرد؛ چون اولاً اگر بایع کالاهایی که تحت تأثیر تحریم نیستند را تحویل ندهد، برای پرداخت خسارات مسئول است و نمی‌تواند طبق ماده ۷۹ کنوانسیون از هیچ‌گونه معافیتی برای قصور در تحویل دادن این کالاها منتفع شود. ثانیاً، اگر بایع هیچ چیزی را تحویل ندهد، درست است که خریدار نمی‌تواند کاهش ثمن را اعلام کند و لذا بایع می‌تواند ثمن پرداخته شده قبل از تحویل مبيع را تا زمان اعلام فسخ نزد خود نگه دارد، ولی بایع مجبور خواهد شد که بهره تعلق گرفته به ثمن را از تاریخ تأدیه ثمن تا زمان فسخ قرارداد، بپردازد.<sup>۴</sup>

**نکته ۳:** «چه خریدار قبلاً ثمن را پرداخته باشد و چه نه، طریق جبرانی کاهش ثمن قابل اعمال است. و پرداخت کل ثمن به معنی اسقاط حق اعلام کاهش ثمن نیست»<sup>۵</sup>. اگر خریدار

1. Huber, 2007, p. 249; Bach, 2011, p. 756, n. 28 ad Article 50; Müller-Chen, 2005, p. 773, n. 7 ad Article 50.

۲. ماده ۷۸ کنوانسیون.

۳. طریق جبرانی کاهش ثمن در موارد عدم تحویل کلی وجود ندارد (به‌رحال برای کاهش ثمن باید تحویلی صورت گیرد و نامطبق باشد). از جمله ببینید:

Landgericht, Düsseldorf, Germany, 5 March 1996, CISG-online 181.

۴. بند ۱ ماده ۸۴ کنوانسیون.

5. Bach Ivo, 2011, p. 751, n. 7 ad Article 50;

همچنین ببینید:

Huber, 2012, p. 443, n. 16 ad Article 50; Müller-Chen, 2005, p. 773, n. 4 ad Article 50; Piliounis, 2000, p. 32; Piché, 2002-2003, p. 553.

ثمن را قبل از لازم الاجرا شدن تحریمی که جلوی بایع را از تحویل دادن برخی کالاها می‌گیرد پرداخته باشد، اعلام کاهش ثمن برای خریدار این امکان را فراهم می‌سازد که قسمتی از ثمنی را پس بگیرد که اگر از قبل آن ثمن را نمی‌پرداخت، می‌توانست از پرداخت آن در طی دوره تحریم امتناع کند.<sup>۱</sup> اگر در زمان رفع تحریم، خریدار هنوز قرارداد را فسخ شده اعلام نکرده باشد (احتمالاً به این دلیل که تأخیر در تحویل کالاها یا غایب از جانب بایع، هنوز به حد نقض اساسی قرارداد نرسیده) و بایع کالاها را تحویل دهد، خریدار ملزم است که قسمتی از ثمن که بر اساس ماده ۵۰ مطالبه شده بوده را پس دهد.<sup>۲</sup>

اگر خریدار کل ثمن را قبل از تحویل مبیع، پرداخته باشد، می‌تواند استرداد میزان کاسته شده از ثمن را، به همراه بهره، مطالبه کند.<sup>۳</sup>

همچنین اگر خریدار کاهش ثمن را قبل از پرداخت ثمن برای کالاها، اعلام و در پرداخت ثمن تأخیر کند، بایع فقط می‌تواند بر ثمن کاهش یافته مطالبه بهره کند (ماده ۷۸ کنوانسیون).<sup>۴</sup>

**نکته ۴:** اگر آشکار باشد که بایع به دلیل تحریم، کالاها یا غیرمنطقی تحویل خواهد داد که نمی‌تواند یا نخواهد توانست آن‌ها را تعمیر کند (نقض متوقع یا قابل پیش‌بینی)، خریدار می‌تواند با اعمال بند ۱ ماده ۷۲ کنوانسیون از طریق قیاس، کاهش ثمن را به طور استثنایی قبل از اینکه کالاها تحویل داده شوند، اعلام کند.<sup>۵</sup> بر اساس این ماده، حق کاهش ثمن به طور

۱. طبق کنوانسیون مادامی‌که متعهد تعهداتش را انجام نمی‌دهد، بر طبق اصل حسن نیت (از جمله مندرج در بند ۱ ماده ۸، بند ۲ ماده ۴۶، ماده ۷۷ کنوانسیون) متعهدله حق دارد که تعهد متقابلش را بدون اعلام فسخ قرارداد، انجام ندهد (حق حبس). از جمله سایر آراء، ببینید:

Oberster Gerichtshof, Austria, 8 November 2005, n.2, CISG-online 1156:

در این رأی، دیوان داوری حکم کرد که مادامی‌که اجرای فروشنده منطبق با قرارداد نبوده، خریدار حق خودداری کردن از پرداخت ثمن را داشته است؛

Oberster Gerichtshof, Austria, 30 November 2006, n.4, CISG-online 1417;

همچنین ببینید:

Hager /Schmidt—Kessel, 2005, p. 853, n. 27 ad Article 58; Brunner, 2009, p. 376; Magnus, 2001, pp. 1 et seq., p. 24; Schlechtriem, 2005, p. 108, n. 34 ad Article 7; Müller-Chen, 2005, p. 698, n. 22 ad Article 45; Schwenzer /Hachem, 2005, p. 141, n. 40 ad Article 7.

2. Azeredo da Silveira, 2014, p. 292, n. 445.

3. Bacher, 2012, p. 1054, n. 24 ad Article 78; Brunner, 2009, p. 380, fn. 1910.

4. Ibid.

5. Müller-Chen, 2005, p. 772, n. 2 ad Article 50; Bach, 2011, pp. 751-752, n. 8 ad Article 50.

آشکار بودن عدم توانایی بایع به برطرف کردن نقض قبل از تحویل، شرطی بسیار مهم است، با توجه به اینکه اصولاً

یک جانبه با اعلام خریدار اعمال می‌شود<sup>۱</sup> و براین فرض مبتنی است که خریدار قبل از اعلام کاهش ثمن، با بایع را از نامنتطب بودن کالاهای تحویلی طبق ماده ۳۹ کنوانسیون، آگاه ساخته است.<sup>۲</sup>

**نکته ۵:** هدف طریق جبرانی «کاهش ثمن» با هدف طریق جبرانی «خسارت»، متفاوت است.<sup>۳</sup> کاهش ثمن بر اساس ماده ۵۰ کنوانسیون «قصد دارد تعادل توافق شده در ابتدای انعقاد قرارداد را حفظ کند و شامل ادعای خسارت نمی‌شود».<sup>۴</sup> اما طریق جبرانی خسارت، بر اساس ماده ۷۴، می‌خواهد خساراتی که خریدار متحمل شده است را از طریق قرارداد زیان دیده در همان وضعیتی که اگر قرارداد نقض نمی‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌داشت، جبران کند،

کاهش ثمن فقط در صورتی ممکن است که کالاها در هنگام انتقال ریسک به خریدار، غیر منتطب باشند (بند ۱ ماده ۳۶ کنوانسیون).

۱. اعلام در صورتی معتبر است که «با ابزاری متناسب با اوضاع و احوال» ارائه شود، و در این صورت، تأخیر یا اشتباه در انتقال ارتباط (ارسال نامه) یا وصول نشدن اعلام، خریدار را از حق استناد به اعلام محروم نمی‌سازد.  
Bach, 2011, p. 757, n. 31 ad Article 50; Huber, 2007, p. 250; Will, 1987, p. 372, n. 2.1.3 ad Article 50.

در خصوص قابل رجوع بودن اعلام کاهش ثمن، ببینید:

Bach, 2011, p. 757, nn. 32-33 ad Article 50.

2. Oberlandesgericht, Hamburg, Germany, 25 January 2008, n. II.1.d.aa, CISG-online 1681; Liu, 2005, n. 4.2; Bach, 2011, p. 752, n. 11 ad Article 50; Piché, 2002-2003, p. 551.

برای ملاحظه موارد از بین رفتن حق خریدار به اعلام کاهش ثمن، به دلیل عدم آگاه کردن بایع از عدم انطباق، علاوه بر ارجاعات فوق‌الذکر، ر. ک. به:

Shin, 2005-2006, fn. 5, and references cited therein.

البته این امر مشمول استثنائات مقرر در مواد ۴۰ و ۴۴ کنوانسیون هم می‌شود، طبق ماده ۴۰، «هرگاه عدم انطباق مربوط به اموری باشد که بایع نسبت به آن آگاه بوده یا نمی‌توانسته است ناآگاه باشد و آن را به اطلاع مشتری نرسانده باشد، حق استناد به مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ را نخواهد داشت». ماده ۴۴ هم مقرر می‌کند: «با وجود مقررات بند ۱ ماده ۳۹ و بند ۱ ماده ۴۳، در صورتی که مشتری برای عدم ارسال یا دداشت لازم عذر موجهی داشته باشد، می‌تواند مطابق با ماده ۵۰، ثمن را کاهش دهد یا مطالبه خسارت، بجز عدم النفع بنماید».

۳. البته تالون در مخالفت با این نظر، معتقد است: «کاهش ثمن می‌تواند به عنوان شکلی از خسارات تلقی شود».  
(Tallon, 1987, p. 588, n. 2.10 ad Article 79).

4. Enderlein/Maskow, 1992; See also: Piché, 2002-2003, pp. 549 and 554; Will, 1987, p. 372, n. 2.2 ad Article 50; Huber, 2012, p. 438, n. 1 ad Article 50; Liu, 2005, n. 3.1.

«برعکس طرق جبرانی مبتنی بر خسارات، قاعده طریق جبرانی کاهش ثمن، به اینکه خریدار واقعاً متحمل ضرر شده باشد، ربطی ندارد، بلکه فقط به رابطه انتزاعی بین (۱) ارزش واقعی کالاهای تحویل داده شده و (۲) ارزش فرضی کالاهای منتطب، مربوط است».  
(Piliounis, 2000, p. 30)

لذا، اعلام کاهش ثمن توسط خریدار، مشمول قاعده عدم قابلیت پیش‌بینی مندرج در ماده ۷۴ نیست. (Azeredo da Silveira, 2014, p. 285, fn. 1130)

که به این طریق، منافع مورد انتظار زیان دیده به او داده می‌شود.<sup>۱</sup> در واقع، براساس ماده ۷۴ کنوانسیون، طریق جبرانی خسارات «متضمن مبلغی برابر با خسارت است از جمله عدم النفعی که خریدار در نتیجه نقض متحمل شده است». فلچنر می‌نویسد: «خسارات [...] برای این در نظر گرفته شده‌اند که منافع معامله را برای زیان دیده حفظ کنند؛ در حالی که کاهش ثمن براساس ماده ۵۰ تلاش می‌کند تناسب معامله را حفظ کند»<sup>۲</sup>. یعنی کاهش ثمن، طرفین را به نقطه صفر (وضعیت طرفین در ابتدای انعقاد قرارداد) می‌برد ولی جبران خسارت زیان دیده را به نقطه ۱۰۰ (وضعیت متعهدله در صورت عدم نقض و اجرای قرارداد) می‌رساند.

مسلماً، اگر ارزش بازاری کالاها در فاصله بین انعقاد قرارداد و تحویل، نوسان نداشته باشد (و لذا هیچ منفعت متوقعی به وسیله خسارات پوشش داده نشود) و اگر خریدار در نتیجه تحویل کالاهای غیرمنطبق در اثر تحریم، هیچ «خسارات تبعی»<sup>۳</sup> (مثل خسارات ناشی از تعطیل شدن کسب و کارش) را متحمل نشده باشد، طریق جبرانی کاهش ثمن (مقرر در ماده ۵۰ کنوانسیون)، با طریق جبرانی خسارات (مقرر در ماده ۷۴ کنوانسیون)، برابر خواهد بود. مثلاً اگر کالاها به ازای ۴۰ واحد پول فروخته شوند (و ارزششان تا زمان تحویل، همان ۴۰ واحد پول باقی بماند) و بایع کالاهای ناقصی را تحویل دهد که یک هشتم ارزش کالاهای منطبق، می‌ارزند، خریدار می‌تواند یا ۱) کاهش ثمن به ۵ واحد پول را اعلام کند یا ۲) ۳۵ واحد پول را به عنوان خسارت مطالبه کند یعنی در اینجا خریدار نمی‌تواند کاهش ثمن و خسارت را با هم جمع کند زیرا تا حدی که دو طریق جبرانی کاهش ثمن و مطالبه خسارات همپوشانی دارند، نمی‌توانند با هم جمع شوند.<sup>۴</sup> در واقع، ماده ۴۵ کنوانسیون که مقرر می‌کند که: حق اعلام کاهش ثمن، مانع مطالبه خسارات براساس ماده ۷۴ کنوانسیون نمی‌شود، «نباید به عنوان مجوزی برای جبران مضاعف (دو بار جبران) در مورد ارزش کاهش یافته کالاها، تفسیر شود».<sup>۵</sup> لذا در این مورد خریداری که علیرغم معافیت بایع از مسئولیت در مورد خسارات، حق اعلام کاهش ثمن را دارد، در همان وضعیتی قرار می‌گیرد که در صورت مطالبه خسارات، در آن وضعیت قرار می‌گرفت.

1. Piché, 2002-2003, p. 556.

2. Flechtner, 2007, p. 174.

3. Consequential damages یا خسارات مع الواسطه

4. Müller-Chen, 2005, p. 780, n. 18 ad Article 50; Liu, 2005, n. 3.3.

5. Honnold, 1989, p. 448, n. 312 ad Article 50 CISG.

باین‌حال، مطالبه خسارات و کاهش ثمن ممکن است به نتایج بسیار متفاوتی نیز منجر شوند؛ در مثال فوق‌الذکر، فرض کنید ارزش بازاری کالاها در فاصله بین انعقاد قرارداد و تحویل، سه برابر شده باشد (جدول (۱)).

### جدول ۱

کالای غیرمنطبق	کالای منطبق	
۵	۴۰	ارزش در زمان انعقاد
۱۵	۱۲۰	ارزش در زمان تحویل

خریدار در این مورد هم، حق اعلام کاهش ثمن به ۵ واحد پول را دارد:<sup>۱</sup>

$$\text{قیمت کاهش یافته} = \text{قیمت خرید (ثمن)} \times \frac{\text{ارزش کالاهای غیر منطبق در زمان تحویل}}{\text{ارزش کالاهای منطبق در زمان تحویل}}$$

$$\frac{15}{120} \times 40 = 5$$

اما طبق ماده ۷۴ کنوانسیون، خریدار می‌تواند مجموعاً ۱۰۵ واحد پول را بابت خسارت و منفعت فوت شده مورد انتظار مطالبه کند:

۲۵ واحد پول به عنوان خسارت متحمل شده: یعنی تفاوت بین ثمن - که همان ارزش کالای منطبق در زمان انعقاد است - و ارزش کالاهای غیرمنطبق در زمان تحویل.

$$40 - 15 = 25$$

۸۰ واحد پول به عنوان منفعت مورد انتظار: یعنی منفعتی که برای خریدار در ازای پرداخت کردن ثمن برای کالاهای منطبق در زمان تحویل به دست می‌آورد که در واقع تفاوت ثمن قراردادی (ارزش کالای منطبق در زمان انعقاد) و ارزش کالای منطبق در زمان تحویل است.

$$120 - 40 = 80$$

۱. کاهش ثمن بر اساس ماده ۵۰ کنوانسیون:

$$\frac{\text{ارزش کالاهای غیر منطبق در زمان تحویل}}{\text{ارزش کالاهای منطبق در زمان تحویل}} = \frac{\text{کاهش یافته قیمت}}{\text{قیمت خرید (ثمن)}}$$

یا: قیمت خرید (ثمن)  $\times$   $\frac{\text{ارزش کالاهای غیر منطبق}}{\text{ارزش کالاهای منطبق}} =$  قیمت کاهش یافته

برعکس، اگر ارزش کالاها در زمان تحویل به یک پنجم کاهش پیدا کرده باشد (جدول شماره ۲) و خریدار بخواهد کالاها را نگه دارد (بجای اینکه مطالبه کالای جایگزین کند یا قرارداد را فسخ شده اعلام کند)، او بازهم می‌تواند ثمن را به ۵ واحد پول کاهش دهد، اما فقط می‌تواند ۷ واحد پول را به عنوان خسارت - بر اساس ماده ۷۴ کنوانسیون - مطالبه کند: زیرا خسارت وارده بر او صرفاً به اندازه تفاوت ارزش کالای منطبق و غیرمنطبق در زمان تحویل است و به دلیل کاهش ارزش کالاها در زمان تحویل منفعت قابل انتظار فوت شده‌ای برای خریدار وجود ندارد.

$$8 - 1 = 7$$

بنابراین، کاهش قیمت و خسارت نه تنها اهداف متفاوتی دارند بلکه نتایج آن‌ها نیز ممکن است متفاوت باشد.

### جدول ۲

کالای غیرمنطبق	کالای منطبق	
۵	۴۰	ارزش در زمان انعقاد
۱	۸	ارزش در زمان تحویل

نکته نهایی اینکه اگر متعهد برای فائق آمدن بر تحریم، اجرای جایگزینی که از نظر تجاری متعارف است را انجام دهد، متعهدله نمی‌تواند قرارداد را فسخ شده اعلام یا مطالبه خسارت کند، اما اصولاً می‌تواند طبق ماده ۵۰ کنوانسیون کاهشی در ثمن را اعلام کند. طبق این ماده، «در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد، ... مشتری می‌تواند ... ثمن را کاهش دهد؛ ...».

۱. دبیرخانه کنوانسیون این مثال را ارائه می‌کند: «قرارداد مقرر کرده بود که کالاها در محفظه‌های پلاستیکی بسته‌بندی شوند؛ در زمانی که بسته‌بندی باید انجام می‌شد، محفظه‌های پلاستیکی به دلایلی که بایع نمی‌توانستند از آن‌ها اجتناب کنند، در دسترس نبودند. با این وجود، اگر محفظه‌های بسته‌بندی‌ای که از نظر تجاری متعارف هستند، در دسترس می‌بودند، بایع باید با به‌کار بردن آن‌ها بر مانع فائق آید نه اینکه از تحویل دادن کالاها امتناع کند. اگر بایع مواد بسته‌بندی متعارف از نظر تجاری متعارف را به‌کار ببرد، مسئول پرداخت خسارت نیست. همچنین خریدار نمی‌تواند قرارداد را فسخ کند چون هیچ نقض اساسی قرارداد رخ نداده است؛ ولی اگر ارزش کالاها به علت [بکار برده شدن] مواد بسته‌بندی غیرمنطبق، کم شده باشند، خریدار می‌تواند طبق ماده ۴۶ (قرینه ماده ۵۰ کنوانسیون در پیش‌نویس) ثمن را کاهش دهد».

(Secretariat Commentary on Article 65 of the 1978 Draft (draft counterpart of Article 79 CISG) n.9)



اگر در زمان انتقال ریسک کالاها با مشخصات درج شده در قرارداد مطابق نباشند، کالاها «منطبق با قرارداد» نیستند.<sup>۲</sup> صرف عدم انطباق در کالاهای تحویل داده شده، بدون اینکه چیز بیشتری لازم باشد، به خریدار حق اعلام کاهش ثمن را می‌دهد. بعلاوه، برعکس نقض اساسی (طبق ماده ۲۵)، برای کاهش ثمن لازم نیست که عدم انطباق، ضرر فوق‌العاده‌ای (زیاد) را برای خریدار ایجاد کند، یعنی برعکس نقض اساسی قرارداد که در آن حتماً باید ضرر زیادی به متعهدله وارد شده باشد، در کاهش ثمن لازم نیست که عدم انطباق، موجب ورود ضرر زیاد به متعهدله شده باشد و بدون ورود چنین ضرری هم می‌توان کاهش ثمن را اعلام کرد.<sup>۳</sup> حتی اصلاً لازم نیست که خریدار متحمل هیچ‌گونه خسارتی شده باشد؛<sup>۴</sup> مثلاً حتی اگر خریدار بتواند کالاها را مجدداً به قیمتی بفروشد که کالاهایی منطبق با قرارداد هم همان قیمت را دارند، باز هم می‌تواند کاهش ثمن را اعلام کند.<sup>۵</sup>

البته گرچه اختلاف جزئی در ارزش بین (۱) کالاهای تحویل داده شده (یعنی کالای جایگزین متعارف از نظر تجاری) و (۲) کالاهای منطبق، می‌تواند بر اساس ماده ۵۰ کاهش ثمن را توجیه کند، ولی اثبات کاهش ارزش در چنین فرضی، ممکن است برای خریدار مشکل باشد. بعلاوه، اگر متعهد برای اینکه بتواند علیرغم وجود تحریم تعهداتش را انجام دهد و کالای جایگزینی که از نظر تجاری متعارف است را تحویل دهد، متحمل هزینه‌های اضافی گردد، بر اساس اصول حسن نیت و تجارت منصفانه - که بر رفتار طرفین در رابطه قراردادی شان حاکم است -<sup>۶</sup> امکان کاهش ثمن برای متعهدله وجود ندارد.

۱. ماده ۳۶ کنوانسیون.

۲. ماده ۳۵ کنوانسیون.

3. Bach, 2011, p. 751, n. 5 ad Article 50.

مولر چن هم می‌نویسد: «اینکه آیا نقص در مفهوم ماده ۲۷ «اساسی» است یا مطلقاً جزئی (کم‌اهمیت) است، امری غیر مرتبط است».

(Müller-Chen, 2005, p. 772, n. 2 ad Article 50)

4. Müller-Chen, 2005, p. 778, n. 14 ad Article 50; Bach, 2011, p. 751; Piliounis, 2000, p. 30.

5. Bach, 2011, p. 750, n. 3 and p. 751, n. 5 ad Article 50.

۶. بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون.

## نتیجه‌گیری و ملاحظات

طبق ماده ۵۰ و نیز بند ۵ ماده ۷۹ کنوانسیون، حتی در صورت معافیت متعهد از پرداخت خسارات برای عدم انجام تعهدات قراردادی در اثر تحریم، متعهدله حق اعلام کاهش ثمن را از دست نمی‌دهد پس اگر در نتیجه وضع یک تحریم تجاری، متعهد نتواند قرارداد را اجرا کند، گرچه او از مسئولیت به پرداخت خسارات معاف می‌شود اما امکان اعلام «کاهش ثمن» علیه او از بین نمی‌رود.

در صورت تأثیرگذاری تحریم بر کل اجرا، خریدار می‌تواند کاهش ثمن را اعلام کند، به شرطی که مصداق یافتن اجرای نامنطبق، قبل از انتقال ریسک به خریدار رخ داده باشد. اگر تحریم بر بخشی از یک اجرای غیرقابل تفکیک اثرگذارد، کالاها به صورت کلی غیرمنطبق تلقی می‌شوند و خریدار می‌تواند به دلیل عدم انطباق، بر اساس بند ۱ ماده ۵۱ و ماده ۵۰ کنوانسیون کاهش ثمن دهد؛ اما اگر تحریم بر بخشی از یک اجرای قابل تفکیک تأثیرگذارد، چه عدم تحویل جزئی رخ دهد و چه تحویل غیرمنطبق به صورت جزئی واقع شود، خریدار می‌تواند بجای فسخ جزئی و کسر ثمن، کاهش ثمن را نیز اعلام کند. نکات ذیل در مورد طریق جبرانی «کاهش ثمن» حائز اهمیت است:

- کاهش ثمن از جانب خریدار، مشمول «شرط فاسخ یک ایجاب متعاقب به جبران کردن» است و اگر بایع عدم انطباق را جبران کند، این جبران مانند یک شرط فاسخ، کاهش ثمن را بی اثر می‌کند.
- پرداخت کل ثمن از جانب خریدار به بایع به معنی اسقاط حق اعلام کاهش ثمن نیست.
- دسترسی به طرق جبرانی «خسارت» و «بهره» باعث می‌شود که حق خریدار به اعلام کاهش ثمن در مورد عدم تحویل جزئی، نتواند انگیزه‌ای برای بایع شود که درجایی که فقط بعضی از کالاها تحت تأثیر تحریم هستند، از تحویل دادن کل کالاها برای جلوگیری از کاهش ثمن امتناع کند.
- در حالت‌های نقض متوقع در اثر تحریم، با استناد به بند ۱ ماده ۷۲ کنوانسیون، امکان کاهش ثمن قبل از تحویل کالاها وجود دارد.
- در صورت اجرای جایگزین متعارف از نظر تجاری، امکان «فسخ» یا «مطالبه خسارت» نیست اما امکان «کاهش ثمن» وجود دارد.

- برای کاهش ثمن لازم نیست که عدم انطباق، ضرر زیادی به خریدار بزند و حتی اصلاً لازم نیست ضرری به خریدار وارد شده باشد.
- باوجود مشابهت طرق جبرانی «کاهش ثمن» و «خسارت»، توجه به تفاوت‌های این دو به لحاظ هدف و آثار ضروری است:
- به لحاظ هدف، «کاهش ثمن» می‌خواهد تعادل قراردادی که در هنگام انعقاد قرارداد مورد توافق طرفین بوده را حفظ کند (نقطه صفر) اما «خسارت» می‌خواهد زیان دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر قرارداد نقض نمی‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌داشت (نقطه صفر)؛ پس در «کاهش ثمن» برخلاف «خسارت» عدم النفع لحاظ نمی‌شود.
- به لحاظ آثار نیز اگر ارزش بازاری کالاها در فاصله بین انعقاد قرارداد و تحویل، افزایش یا کاهش پیدا کرده باشد، استفاده از دو طریق جبرانی «کاهش ثمن» و «خسارت» به نتایج متفاوتی منجر می‌شوند.

## منابع

- اسلامی پناه، علی، فرجام، بهزاد، اسکندری، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)؛ «بررسی تحلیلی امکان تقلیل ثمن در نظام حقوقی ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۷، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، صص ۷۴-۴۹.
- اسکینی، ربیعا، جعفریان، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۹)؛ «بررسی ارزش در حقوق ایران و فقه امامیه و تفاوت آن با تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌الملل»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۸۷-۵۵.
- بیگ زاده، صفر، باریکلو، علیرضا (۱۳۹۰)؛ «اختیار تقلیل ثمن (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی، فقه امامیه و حقوق ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۳، صص ۷۴-۵۷.
- ربیعی، مهدی (۱۳۸۹)؛ مطالعه تطبیقی قاعده تقلیل ثمن در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس.
- رنجبر صحرايي، مسعود رضا (بهار و تابستان ۱۳۸۸)؛ «ارش (حق تقلیل ثمن) و ارتباط آن با جبران خسارت»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱، صص ۴۴۶-۳۹۵.
- سلطانیان، داوود (پاییز ۱۳۹۳)؛ «نگاهی به تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وین ۱۹۸۰»، مجله جستارهای فقه و حقوق، سال اول، ش ۲، صص ۶۶-۴۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)؛ «دوره حقوق مدنی-قواعد عمومی قراردادها» جلد ۵-انحلال قرارداد، تهران: شرکت سهامی انتشار.

گلشنی، عصمت (۱۳۹۶)؛ تأثیر تحریم‌ها بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی.

Atamer Yesim M. (2011); in: UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG), Kröll Stefan/Mistelis Loukas/Perales Viscasillas Pilar (eds), München (C.H.Beck Hart Nomos).

Azeredo da Silveira Mercédeh (2014); Trade Sanctions and International Sales- An Inquiry into International Arbitration and Commercial Litigation, Wolters Kluwer.

Bacher Klaus (2012); in: Schlechtriem & Schwenzer: Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG), 3rd ed., Oxford University Press.

Bach Ivo (2011); in: UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG), Kröll Stefan/Mistelis Loukas/Perales Viscasillas Pilar (eds), München (C.H.Beck Hart Nomos).

Brunner Christoph, Force Majeure and hardship under general contract principles (reproduced with the permission of Wolters Kluwer from Brunner Christoph, Force Majeure and hardship under general contract principles- Exemption for Non-Performance in International Arbitration Law, 2009).

Eiselen Sieg (5/2010); Provisions Common to the Seller and the Buyer (Aa 71-80), in: International Contract Manual, Kritzer Albert H./Vanto Jarno/Vanto Jessica/Eiselen Sieg (eds), Vol. 5, Ch. 93, Thomson Reuters/West.

Enderlein Fritz/Maskow Dietrich (1992); International Sales Law: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, New York London etc. (Oceana), <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/enderlien.html>.

Flechtner Harry M. (1994-1995); «More US Decisions on the UN Sales Convention: Scope Parol Evidence, “Validity” and Reduction of Price under Article 50», Journal of Law and Commerce, pp. 153 et seq., <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/flechtner.html>.

Flechtner Harry M. (2007); «Article 79 of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG) as Rorschach test: The Homeward Trend and Exemption for Delivering Non-Conforming Goods», Pace International Law Review, pp. 29 et seq., <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/biblio/flechtner7.html>.

Flippe Christian v. Douet Sport Collections, Tribunal de Commerce, Besançon, France, 19 January 1998, CISG-online 557.

Hager Günter/Schmidt—Kessel Martin (2005); in: Schlechtriem & Schwenzer: Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG), 3rd ed., Oxford University Press.

Honnold John O. (1989); Documentary History of the Uniform Law for International Sales- The Studies, deliberations and decisions that led to the 1980 United Nations

- Convention with introductions and Explanations, Deventer (Kluwer Law and Taxation Publishers).
- Honnold John O. (2009); Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, Edited and Updated by Harry M. Flechtner, 4th ed., Alphen aan den Rijn (Kluwer Law International).
- Huber Peter (2007); in: The CISG- A New Textbook for Students and Practitioners, Huber/Mullis, München (Sellier European Law Publishers).
- Huber Peter (2012); in: Schlechtriem & Schwenger: Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG), 3rd ed., Oxford University Press.
- Landgericht, Düsseldorf, Germany, 5 March 1996, CISG-online 181.
- Liu Chengwei (March 2005); «Price Reduction for Non-Conformity: Perspectives from the CISG, UNCITRAL Principles, PECL and Case Law», 2nd ed., <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/chengwei2.html>.
- Liu Chengwei (May 2004); «Comparison of CISG Article 45/61 remedial provisions and counterpart PECL Articles 8:101 and 8:102», available at: <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/text/peclcomp45.html>.
- Lookofsky Joseph (1995); Understanding the CISG in the USA - A Compact Guide to the 1980 United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Boston etc. (Kluwer Law International).
- Lookofsky Joseph (2005); «Impediments and Hardship in International Sales: A Commentary on Catherine Kessedjian's "Competing Approaches to Force Majeure and Hardship"», International Review of Law and Economics.
- Magnus Ulrich (2001); Force Majeure and the CISG, in: International Sale of Goods Revisited, Šarčević/Voken (eds), The Hague etc. (Kluwer Law International).
- Müller-Chen Markus (2005); in: Schlechtriem & Schwenger: Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG), 2nd ed., Oxford University Press.
- Oberlandesgericht, Hamburg, Germany, 25 January 2008, n. II.1.d.aa, CISG-online 1681.
- Oberlandesgericht, Koblenz, Germany, 31 January 1997, CISG-online 256.
- Oberster Gerichtshof, Austria, 23 May 2005, CISG-online 1041.
- Oberster Gerichtshof, Austria, 30 November 2006, n.4, CISG-online 1417.
- Oberster Gerichtshof, Austria, 8 November 2005, n.2, CISG-online 1156.
- Piché Catherine (2002-2003); «The Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the Uniform Commercial Code Remedies in Light of Remedial Principles Recognized under US Law: Are the Remedies of Granting Additional Time to the Defaulting Parties and of Reduction of Price Fair and Efficient Ones?», North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation, pp. 519 et seq.

- Piliounis Peter A. (2000); «The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are These Worthwhile Changes or Additions to English Sales Law?», *Pace International Law Review*.
- Slechtriem Peter (2005); in: Schlechtriem & Schwenger: *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, 3rd ed., Oxford University Press.
- Schwenger Ingeborg (2012); in: Schlechtriem & Schwenger: *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, 3rd ed., Oxford University Press.
- Schwenger Ingeborg/Hachem Pascal (2005); in: Schlechtriem & Schwenger: *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, 3rd ed., Oxford University Press.
- Secretariat Commentary on Article 65 of the 1978 Draft (draft counterpart of Article 79 CISG).
- Shin Chang-Sop (2005-2006); «Declaration of Price Reduction under the CISG Article 50 Price Reduction Remedy», *Journal of Law and Commerce*, pp. 349 et seq.
- Sondahl Erika (2003); «Understanding the Remedy of Price Reduction- A Means to Fostering a More Uniform Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods», *Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration*, pp. 255 et seq., <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sondahl.html>.
- Tallon Denis (1987); in: *Commentary on the CISG: The 1980 Vienna Sale Convention*, Bianca Cesare Massimo/Bonell Michael Joachim (eds.), Milan (Giuffrè).
- Will Michael (1987); in: *Commentary on the International Sales Law - The 1980 Vienna Sales Convention*, Bianca/Bonell (eds), Giuffrè/Milan.